



## زنده باد زاغ



طنزی از فرید سیاوش

تازه از کار برگشته، سخت خسته و دل‌تنگ بودم. به سراغ کمپیوتر رفته تا سری به اخبار و نامه های برقی بزنم. نامه ای حاکی و شاکی از بر خورد نچندان مناسب با روز زن بود. در فکر جبران غلطیدم. لحظه ای به شیشه شفاف یارانه خیره شده و شاعرانه شهپر خیالم پروازی شد. بال خیال مرا در بستر خواب رها کرد. و خود را در برابر چادر بانو اقلیما دختر حضرت آدم علیه السلام یافتم، که داشت روز زن را تجلیل میکرد.

اجازه ورد خواستم، با مهربانی به داخل چادر دعوتم کرد. چادر را با شمع و چراغ و یاسمن، نسترن و نرگس آراسته؛ ولی در وسط خانه **سیبی** را بدار آویخته بود.



■ پرسیدم: **سیب** میوه ای از بهشت را چرا بدار زده اید؟



گفت : اگر میوه ای از بهشت بود؛ در زمین دوزخی چه میکند؟ اگر میوه از بهشت بود؛ چرا مادرم حوا بخاطر خوردن آن از بهشت رانده و بر زمین تبعید شد؟

خوردنش ممنوع بود.

مگر میشود در بهشت باشید و از میوه اش نخورید؛ اگر خطرآفرین بود پس در بهشت چه میکرد؟

من برای سیاه و سفید کردن این مسایل نیامده ام، اتفاقی گذرم به اینسو افتاد. خوب بهر حال این مجسمه از کیست ؟

از قابیل

چرا سنگسارش کرده اید؟

او بود که عشق را با سنگ کشت.

کدام عشق؛ از کی و از چی می گویند؟

از خود می گویم؛ از اقلیما و عشقش به هابیل. این روز سیاه من ریشه در تیشه او دارد.

چطور ؟

او بود که هابیل عاشق را کشت؛ او بود که عشق اقلیما را سنگسار کرد؛ او بود که زن را داغدار ساخت و قتل را ماندگار؛ و او بود که ناخواسته و بزور همسر و همبستر من شد.



چرا مگر با هم ازدواج نکردید؟

عجب! در آن زمان و مکان و حال و هوا، ازدواج و خطبه عقد!؛ تب دارید؟

می بخشید چرا بر من قهرید؟

شما هم از نسل همان قابیل هستید؛ مگر فراموش تان شده است!

می بخشید من نمیدانستم.

نمی دانستید، یا نمی خواهید بدانید؟

سوء تفاهم شده است، من از طرفدارن حقوق زن هستم.



■ راست می گوئید، در ۳۶۵ روز و ۲۴ ساعت و ۶۰ دقیقه؛ فقط چند ثانیه طرفدار حقوق زن هستید، مگر درست نمی گویم؟



■ نمیدانم چه بگویم. آن راستی چرا این **زاغ** را گلباران کرده اید او چه گلی بر سر شما زده است؟

■ اگر آن زاغ هوشیار نبود؛ آن قابیل بی شعور با جسد غرق در خون هابیل برادر عاشقش چه میکرد؟. زاغ برایش یاد داد تا او جسد آن پاک را زیر خاک کند. اگر زاغ و فکر بکرش نبود؛ میدانستید چه بلای بر نسل آدم می آمد؛ از بوی بد و تراکم اجساد گُشته شده ها؛ آدمی بر روی زمین نمیتوانست **زندگی** کند. اگر شما آقایون به این **زندگی** می گوئید؟؛ این **زندگی** مال خوتان باشد.

با شنیدن کلمه **زندگی** حباب خوابم ترکید، شرنگ شوقم از شرم درید و قطره اشکی از گوشه ای چشمم چکید .... اللهم اغفر لی



**بانو؛ روزت مبارک!**